



درباره بازگشایی سینماها

فیلم دیدن: از سرگرمی به ایستادگی

کروه فرهنگی- مطابق با اطلاعیه مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصمیم مراجع ذیصلاح و هماهنگی‌های انجام‌شده، تمامی مراکز هنری و سینمایی کشور از دیرروز ۲۱ خرداد ضمن رعایت اصول و مقررات لازم الاجرا، برنامه‌های عادی خود را خواهند داشت. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «انتظار می‌رود که تمامی این مراکز در راستای تقویت روحیه و توان ملی در پاسداری از ایران عزیزو ایجاد فضای آرامش و امید، از تمامی ظرفیت‌های خویش در این دوران حساس استفاده کنند.» این ابلاغیه البته با پرسش‌هایی هم از سوی برخی اهالی فرهنگ و حتی مردم همراه بوده است که در این شرایط چه کسی به سینما یا فالان گالری نقاشی می‌رود یا مثلاً در این شرایط سینما رفتن چه نسبت معناداری با شرایط کنونی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش می‌توان به جمله و ایده‌ای از نیچه ارجاع داد. آنجا که می‌گوید: «اگر هنر نبود واقعیت ما را خفه می‌کرد» در واقع او کارکرد مهم هنر را تآب‌آوری و تحمل‌پذیری سوسیه‌های ترازیک زندگی می‌داند. بر این مبنی موقعیت‌های اضطراری مثل شرایط جنگی، کارکردهای رهایی‌بخش هنر را بیشتر کرده که به باورخیلی از فیلسوفان هنر، هنر آن طرف نب‌بست‌هاست که راهی به گشایش ایجاد می‌کند. شاید گرافه نباشد که بگوییم در شرایط بحرانی شاید هیچ چیز به اندازه هنر، امید بخش نباشد. ناپلئون بناپارت در فیلم دزیره می‌گوید: «زندگی پیچیده است اما عشق از پیچیدگی‌های آن کم می‌کند.» حالا می‌توان همین نسبت را بین زندگی و هنر برقرار کرد و گفت هنر می‌تواند دشواری‌های زندگی را کم یا دست‌کم آنها را قابل تحمل کند. اساساً هنر و کارکردهای رهایی‌بخش آن در زمان‌های بحرانی خود را نشان می‌دهد. چارلی چاپلین محصول دوران افسردگی و شکست‌های جنگ جهانی است که تلاش کرد با طنای‌ها و کمدی‌هایش در کاهش درد و رنج مردم کشورش، نقشی مؤثر ایفا کند که توانست و این کار را انجام داد.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، جامعه ما به یک چارلی چاپلین نیاز دارد. به یک نیروی شادی‌بخش که بتواند روحیه عمومی جامعه را با نشاط نگه دارد. سینما می‌تواند بهانه و ابزار آن کار باشد. سینما با افزایش تولید فیلم‌های کمدی می‌تواند به کاهش آلام مردم کمک کند. در این شرایط سهم بیشتر اکران فیلم‌های کمدی به عنوان یک استراتژی فرهنگی باید جدی گرفته شود. فیلم کمدی در این شرایط هم می‌تواند گیشه سینما را رونق ببخشد و هم حال مردم را خوش کند. همچنان که ژانرهای جنگی و حماسی می‌تواند روحیه بخش باشد. در شرایط بحرانی غالباً انسان‌ها از هم دور می‌شوند اما سینما به عنوان امکان یک تجربه جمعی می‌تواند شرایط همنشینی و همدلی مردم را ایجاد کند و نگذارد وضعیت اضطراری به گسست اجتماعی منجر شود. شاید این حرف‌ها شعاری به نظر برسد اما هر جامعه‌ای برای پیشرفت علاوه بر شعور به شور هم نیاز دارد و سینما می‌تواند هر دو این‌ها را به جامعه هدیه کند. گاهی سینما آخرین پناه انسان است تا با غرق شدن در دنیای رؤیاها کمی از تلخی واقعیت‌ها فاصله بگیرد و به نقطه آرامش برسد. سینما کارخانه رؤیاسازی است و زمانی که بحران‌ها، رؤیاهای انسان را به کابوس بدل می‌کند، سینما می‌تواند با تولید رؤیا و امکان رؤیاپردازی، مانع مرگ رؤیاهای انسان شود. بر این اساس در شرایط جنگی، سینما رفتن و فیلم دیدن می‌تواند از تجربه سرگرمی به تجلی ایستادگی و مقاومت تبدیل شود.



شخصاً همه هنرمندان و سلبریتی‌ها را به این مسیر دعوت می‌کنم. نه لزوماً برای دفاع از یک مجموعه

سیاسی یا نهاد حاکمیتی، بلکه برای دفاع از مردم، از مرز، از وطن، مثلاً همین که مهران مدیری، رامبد جوان، شهاب حسینی و دیگران هرشب ده دقیقه با مردم صحبت کنند، می‌تواند بسیار مؤثر باشد

هنرمندان و چهره‌های شناخته‌شده در این شرایط چطور می‌توانند ایفای نقش کنند؟ قطعاً مؤثر هستند. شخصاً همه هنرمندان و سلبریتی‌ها را به این مسیر دعوت می‌کنم. نه لزوماً برای دفاع از یک مجموعه سیاسی یا نهاد حاکمیتی، بلکه برای دفاع از مردم، از مرز، از وطن. مثلاً همین که مهران مدیری، رامبد جوان، شهاب حسینی و دیگران هرشب ده دقیقه با مردم صحبت کنند، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. مردم در این شب‌های پراضطراب نیاز به آرامش دارند. هرکس با همان موبایلی که در دست دارد می‌تواند نقشی ایفا کند.

برخی هنرمندان نگران واکنش‌های منفی و فحاشی در فضای مجازی هستند. شما خودتان این فشار را چطور تحمل می‌کنید؟ ببینید، یک سرباز پدافند ممکن است هر لحظه شهید شود، ولی با جان‌ودل پشت سلاحش می‌نشیند. وقتی او این قدر فداکاری می‌کند، آیا من باید نگران فحش خوردن باشم؟ کسی که درک درستی از وطن‌دوستی ندارد و به خاطر چند جمله فحش می‌دهد، اصلاً برای من مهم نیست. این چیزها من را متوقف نمی‌کند.

در پایان اگر صحبتی باقی مانده که در سؤال‌ها نبود، بیان کنید. توصیه می‌کنم صداوسیما از لاک خودش بیرون بیاید. الان فرصت همبستگی ملی است. وقتی در راهپیمایی بعد از نماز جمعه تهران، حتی زنان بی حجاب در خیابان حضور پیدا می‌کنند تا بگویند «ما هستیم»، یعنی مردم فهم بالایی دارند. همین انتظار را از صداوسیما داریم. رسانه ملی باید صدای ۹۰ میلیون نفر باشد، نه فقط یک گروه خاص.

بگویم که هدف اصلی ما اطلاع‌رسانی به مردم است. در واقع این برنامه تلاش می‌کند خلأ اطلاع‌رسانی را پر کند.



چرا فیلمو را برای پخش انتخاب کردید نه تلویزیون یا فضای بازاری مثل اینستاگرام یا یوتیوب؟

در شرایط فعلی، امکانات فنی و زیرساختی ما محدود است. تلویزیون به نظر همچنان جای خوبی برای پخش بود، اما وقتی صداوسیما همکاری نکرد، به ناچار رفتیم سراغ پلتفرم‌های دیگر. فیلمو پذیرفت و ما هم با حداقل تجهیزات و با کمک دوستان شروع کردیم. واقعاً بچه‌ها با کمترین امکانات دارند کمک می‌کنند، زیرا این جنگ فقط جنگ موشک نیست، بلکه جنگ افکار عمومی هم هست. بنابراین از تریبون شما اعلام می‌کنم که هر کسی هر کجا دوست داشت، مجاز است برنامه را پخش کند و ما با کمال میل استقبال می‌کنیم. این برنامه هیچ چشم‌انداز مالی و اقتصادی ندارد و کاملاً رایگان است.

اشاره کردید که این جنگ فقط جنگ موشک نیست، بلکه جنگ افکار عمومی هم هست. این برنامه قرار است دقیقاً چه کاری بکند؟ یعنی هدف‌تان چیست؟

اکنون شاهد این هستیم که شبکه‌های ماهواره‌ای آمریکایی و حتی برخی از شبکه‌های کشورهای اطراف، هر نوع عملیات روانی را انجام می‌دهند. آنها این روزها با یک نکته ساده می‌توانند تشست در افکارعمومی ایجاد کنند. در چنین وضعیتی موازنه افکارعمومی بسیار مهم است و اگر این موازنه به هم بخورد، می‌تواند از موشک هم آسیب‌زننده‌تر باشد. بنابراین باید

گفت‌وگو

آرزوایرانی
روزنامه نگار

رضا رشیدپور، مجری و تهیه‌کننده شناخته‌شده تلویزیون، این روزها با برنامه‌ای جدید با عنوان «شرایط خاص» در پلتفرم فیلمو بازگشته؛ برنامه‌ای با محوریت آگاهی‌بخشی و همراهی تاجاز اسرائیل و پاسخ‌های ایران هستیم. او در گفت‌وگو با روزنامه ایران از پشت پرده ساخت این برنامه، دلایل پخش نشدن آن از صداوسیما و لزوم حضور چهره‌ها برای آرام‌سازی فضای عمومی می‌گوید.

آقای رشیدپور، در این شرایط خاص، بازگشت‌تان به آنتن را خیلی‌ها یک اقدام شجاعانه می‌دانند. ابتدا قرار بود این برنامه در صداوسیما پخش شود اما چه شد که پلتفرم را برای پخش آن انتخاب کرده‌اید؟ بله، در ابتدا فکر می‌کردیم که برنامه را از طریق صداوسیما منتشر کنیم. حتی من در شبکه ایکس اعلام کردم که آماده‌ام یک برنامه مردم‌محور و بدون نگاه جهت‌دار بسازم و اجرا کنم. اما در شرایط کنونی هماهنگ کردن این برنامه برای تلویزیون واقعاً دشوار بود. در نهایت تصمیم گرفتیم خودمان برنامه را تولید کنیم و در اختیار همه قرار بدهیم. اکنون هر رسانه‌ای -چه تلویزیونی، چه ماهواره‌ای- می‌تواند آن را پخش کند. برنامه کاملاً اوپن‌سورس است، بدون هیچ چشم‌انداز مالی. فقط یک وظیفه ملی است.

کتاب

اعترافات صهیونیست‌های پشیمان

منطق خشن ما شامل ۱۸۰ روایت افشاگرانه از سربازان ارتش اسرائیل است



ناگفته‌ها

کروه کتاب- افشاکاری‌های کهنه سربازان اسرائیلی مبنی بر جنایت‌ها، اعمال خشونت و کشتار بی‌رحمانه مردم فلسطینی، توسط سازمانی با عنوان «شکستن سکوت / breaking the silence» جمع‌آوری و در کتابی با عنوان «منطق خشن ما؛ شهادت سربازان اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی» Our Harsh Logic: Israel's soldiers' Testimonies from the Occupied Territories منتشر شده است. این سربازان اطلاعاتی درباره شکنجه‌ها و اعمال خشونت نیروهای اسرائیلی و پیامدهای آن برای غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی را فاش کرده‌اند؛ اینکه چگونه جنایت و خشونت به جزئی از زندگی عادی و روال روزمره آنها تبدیل شده بود. اطلاعات جمع‌آوری شده از سربازان اسرائیلی در طول ده سال توسط این سازمان تبدیل به کتاب «منطق خشن ما» شد که به زبان‌های مختلفی از جمله

آلمانی ترجمه و منتشر شده است. عنوان این کتاب به فرانسه «کتاب سپاه اشغال اسرائیل: سربازان روایت می‌کنند» Le livre d'end de l'occupation israélienne: les soldats racontent است. شکستن سکوت «BTS» یک سازمان مردم‌نهاد اسرائیلی است که سال ۲۰۰۴ در غرب سرزمین‌های اشغالی توسط برخی نظامیان و کهنه سربازان اسرائیل تشکیل شد؛ نیروهای دفاعی‌ای که از رفتارهای وحشیانه خود در مقابل مردم بی‌دفاع فلسطین احساس ندامت می‌کردند، تصمیم گرفتند لب به اعتراف بکشند و همین عامل تأسیس این سازمان شد. «منطق خشن ما» یکی از مهمترین کتاب‌ها در مورد حقایق اصلی و پنهان اسرائیل و فلسطین است که برای اولین بار واقعیت‌های اشغال فلسطین را آشکار می‌کند. نیروهای دفاعی اسرائیل که برخی آن را اخلاقی‌ترین ارتش جهان می‌دانند؛ وانمود می‌کنند که مأموریت اصلی آنها دفاع از خاک سرزمین است. در واقع، چه در سطح بین‌المللی و چه در داخل سرزمین‌های اشغالی، حمایت از

سیاسی از سربازان از سکوت همدستانه مقامات چه در داخل و چه در جهان انتقاد کرده‌اند؛ چراکه با توجهیات بی‌منطق اشغالگری را تداوم می‌بخشند. این کتاب با قدرتمندی غیرقابل انکار، سهمی فوق‌العاده در توصیف رنج‌آورترین

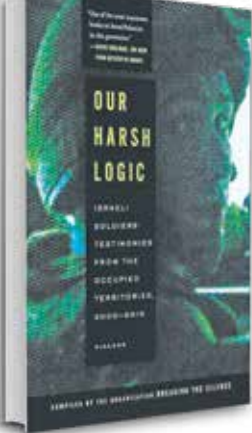
درگیری جهان دارد؛ آنچه که مانند غده سرطانی می‌تواند متاستاز کند. در خلاصه این کتاب آمده است: از کارهای روزمره سربازان بیدار کردن روستاییان در نیمه‌های شب با انفجار نارنجک و ایجاد رعب و وحشت بوده است. تخریب خانه‌های مردم به بهانه جست‌وجوی سلاح‌هایی که اصلاً وجود نداشتند از دیگر اقدامات عادی آنها بود. از کوچکترین جنایت‌های سپاه آنان ضرب و شتم زندانیان دستبند به دست و شرکت در عملیات‌های انتقام‌جویانه مرگبار و دستگیری کودکان فلسطینی بوده است. اشغالگری و تصرف زمین‌های فلسطینیان، کشتن غیرنظامیان و احساس رضایت‌مندی از دیگر اعمالی بوده که به آن اعتراف کرده‌اند. این کتاب فاش می‌کند رژیم صهیونیستی چگونه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، هر کار غیرقابل‌تحملی را به امری عادی تبدیل می‌کند. سربازان ارتش اسرائیل طی ۱۴۵ اعتراف، اطلاعات مخوفی منتشر کرده‌اند. این کتاب از روند اشغالگری و جنایتاتی که نظامیان صهیونیستی در نوار غزه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی انجام داده‌اند پرده برمی‌دارد.

تشویق رعب‌آفرینی

در بخشی از این کتاب یکی از سربازان می‌گوید: «ساعت ۳ صبح در منطقه الخلیل، ده‌ها بمب صوتی شلیک کردیم؛ بدون هیچ هدف خاصی؛ پراکنده و به سمت خیابان‌ها و مناطق مسکونی. یکی از اهداف ما ایجاد ترس و وحشت در میان مردم بود. ما تماشا می‌کردیم مردم چطور وحشت‌زده از خواب می‌پریدند و از خانه‌های خود بیرون می‌آمدند. فرمانده ارشدهمان می‌گفت این بمب‌ها به فراری دادن تروریست‌ها کمک می‌کند؛ ولی می‌دانستم حرف‌های بی‌اساسی می‌زند. ما مأموریت هر شب ما همین بود و فرماندهان به خاطر انجام این عملیات‌های موفقیت‌آمیز به ما تیرک می‌گفتند. اما درک نمی‌کردیم که چرا» کتاب «منطق خشن ما» شامل ۱۸۰ روایت از سربازان ارتش اسرائیل است که از زندگی ملو از خشونت عادی‌سازی شده و تنش‌های مداوم علیه فلسطینی‌ها در دوران اشغالگری دچار پشیمانی شده‌اند. طبق باور برخی که این رفتارها را غرب وحشی توصیف می‌کنند، مرزهای اخلاقی همه نیروها دائماً مورد آزمایش قرار می‌گیرد و باید به این خوی عادت کنند. ده سال تحقیق مستمر به سازمان «شکستن سکوت» اجازه داده تا اطلاعات جنگی‌ای را جمع‌آوری کند که اهداف واقعی سیاست

اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی را فاش می‌کند؛ سیاستی مبتنی بر تقویت تسلط بر سرزمین فلسطین و کنترل جمعیت فلسطینی‌ها. روزنامه «الخبار» لبنان در واکنش به انتشار این کتاب نوشته: «مطالب فوق‌بخشی از افشاکاری‌ها و اسناد وکی لیکس نیست، بلکه اعترافات کهنه سربازان اسرائیلی است.» این روزنامه درباره این کتاب تأکید کرده که سازمان غیردولتی شکستن سکوت در اسرائیل برای اولین بار دست به انتشار کتابی مبنی بر ۱۸۰ اعتراف از سربازان اسرائیلی زده است. اعضای این سازمان شامل ۲۰۰ نفر از سربازان قدیمی و فعلی ارتش اسرائیل هستند که قبلاً هم تعدادی از اعترافات آنها درباره شکنجه وحشیانه فلسطینی‌ها را منتشر کرده بودند. در واقع انتشار عکس‌هایی از چهره این سربازان همراه نام آنان که این اعترافات را به زبان آورده اند، اطلاعات کتاب را مؤثرتر کرده است.

یهودا شاول یکی از همین سربازان قدیمی ارتش صهیونیستی و از بنیانگذاران این سازمان ابرازامیدواری کرده با انتشار این کتاب تفکرات و مباحث تازه حول محور نقش ارتش در اسرائیل شکل می‌گیرد؛ چرا که گلکیشه‌هایی درباره مردم فلسطین در ذهن سربازان اسرائیلی نقش بسته که این سربازان را وادار به خشونت و اقدامات گور علیه آنان می‌کند. ارتش، سیاستمداران و ساکنان اسرائیل اصلاً نمی‌خواهند با واقعیت‌ها روبه‌رو شوند و تمایلی به این کار ندارند؛ اما ما می‌دانیم که رژیم صهیونیستی از اساس با هرگونه صلح مخالف است به همین دلیل خودمان دست به کار شده‌ایم تا حقایق را در معرض دید جهانیان قرار دهیم.»



منطق خشن ما
شهادت سربازان اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی
Our Harsh Logic: Israel's soldiers' Testimonies from the Occupied Territories
• انتشارات: کتاب متروپلین Metropo litan Books
• تعداد صفحات: ۴۰۰ صفحه
• قیمت: \$749



«منطق خشن ما» یکی از مهمترین کتاب‌ها در مورد حقایق اصلی و پنهان اسرائیل و فلسطین است که برای اولین بار واقعیت‌های اشغال فلسطین را آشکار می‌کند. سربازان با زبان خودشان جزئیات روشنی از فجایع انسانی را فاش می‌کنند



علیه سکوت و سرکوب

رختاوتویی یکی از اساتید دانشگاه الجزایر پس از خواندن این کتاب، به شدت مطالعه آن را به دیگر پیشنهاد می‌کند تا با ماهیت اصلی این رژیم و ظلم و ستم‌هایی که پس از اشغال فلسطین علیه غیرنظامی‌روا داشته است، بیشتر آشنا شوند. او در بخش نظرات bible نوشته است: «این فلسطینی‌ها نیستند که موجودیت اسرائیل را تهدید می‌کنند، بلکه شهرک‌نشینان متعصب افراطی در کرانه باختری هستند که تهدیدی واقعی برای همه محسوب می‌شوند.

در جناح راست اسرائیل از پذیرفتن ماهیت قطعی وضعیت ایجاد شده در سال ۱۹۴۹ امتناع می‌ورزند. همچنین از این می‌ترسند که هرگونه به رسمیت شناختن حقوق ملی فلسطینیان در نهایت به تضعیف حقوق یهودیان منجر شود. آنها معتقدند چرا باید حق خود را برای استعمار سرزمین‌های فتح شده در سال ۱۹۶۷ رد کنند.» خواننده دیگر این کتاب می‌گوید خود اسرائیلی است نوشته: «با خواندن این کتاب کاملاً متوجه می‌شوید این مردان و زنان، سربازان، افسران درجه‌دار و افسران افشاگر ارتش اسرائیل، تنها در یک چیز با هموطنان خود متفاوت هستند؛ اینکه آنها تصمیم گرفته‌اند آنچه را که همه می‌دانند و فقط در خفا به آن فکر می‌کنند، با صدای بلند بیان کنند. این توطئه سازشکاری، سکوت و سرکوب در طبقه سیاسی‌ای حکمفرماست که ترجیح می‌دهد بینند و نفهمد تا مجبور به واکنش نشان دادن نشوند.

در واقع این سربازان برای درهم شکستن چنین سیاستی اقدام به افشاکاری کرده‌اند. این کارشان همه هموطنان اسرائیلی را وادار می‌کند تا در آینه نگاهی به خود بیندازند و از دیدن ماهیت واقعی خود دچار کسالت و شرم شوند؛ هم درباره شرارتی که اعترافات آنها به برجسته‌کردن آن کمک می‌کند و هم درباره نقاط ضعف جامعه‌شان، همه چیز به خوبی گویای حقایق است. زیرا در میان اسرائیلی‌ها، به ویژه در میان نخبگان آنها، افراد زیادی هستند که دوست دارند طوری وانمود کنند که گویی اصلاً اتفاقی نیفتاده و این سرزمین‌ها اصلاً اشغال نشده‌اند. در واقع، منشأ واقعی شر در این واقعیت نهفته است که پیروزی در این جنگ به نقطه عطفی در استقلال و تاریخ اسرائیل تبدیل نشد و ایجاد دولت اسرائیل، جهشی رو به جلو در قالب ایده‌های جدید و ذهنیت تازه در آنها ایجاد نکرد. نخبگان سیاسی اسرائیل به جای اینکه تشکیل دولت جدید را پایان فرآیند تأسیس اولین گام به سوی عادی‌سازی روابط با اعراب بدانند، خود را در چرخه‌ای باطل یافتند که آنها را به ادامه اقدامات قبلی خود که در طول دوران پیش از تشکیل دولت انجام می‌دادند، سوق داده است. از نظر شهرک‌نشینان، آزادی‌ای که آنها از آن برخوردارند، شامل حق تیره و تار کردن زندگی برای روستاییان عرب می‌شود تا زمین‌هایشان را که هنوز به آنها چشم طمع دارند از چنگ‌شان در آورند و فقط می‌خواهند به اعراب نشان دهند که چه کسی قدرت بیشتری دارد.»